

# ظرفیت دست‌ورزبان عربی و موضوع جهانی شدن

فاطمه سرپرست  
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی

## اشاره

لایه پنهانی جهانی شدن در واقع فعالیتی است برای مغلوب ساختن ارزش‌ها و فرهنگ کشورهای در حال توسعه، به گونه‌ای که به اختلاط و ذوب شدن تمدن‌ها بینجامد و ثمره آن تغییر باورهای دینی است. لذا آسان‌ترین راه دستیابی به این مقصود، نفوذ زبان بیگانه، ناکارآمد دانستن زبان مادری و برهم زدن قواعد ساختاری زبان است که غرب در سایه جهانی شدن، از راه‌هایی چون رسانه، اینترنت، ترویج زبان انگلیسی و ترغیب جوانان در به‌کارگیری لهجه‌های محلی، تلاش می‌کند زبان فصیح را در اذهان مردم ناکارآمد و بی‌ارزش جلوه دهد. در واقع، جنبه نگران‌کننده در جهانی شدن، رشد فرهنگ تک‌بعدی است که با جدیت تحت‌عنوان تحول در زبان، در صدد گمراه کردن مردم و تغییر در نحوه زندگی و روش فکر آن‌هاست. در این جستار تلاش شده است با نگاهی ژرف و به روش توصیفی-تحلیلی پیامدهای منفی جهانی شدن به بوته نقد کشیده شود.

**کلیدواژه‌ها:** قواعد دستوری، لهجه عامیانه، اینترنت، زبان انگلیسی، جهانی شدن

## جهانی شدن و زبان عربی

زبان عربی همچون آینه‌ای است که تصویر تمدنی مردمش را منعکس می‌کند و به اعتبار آن از غنی‌ترین زبان‌هاست. پس میراث زبانی آن دلیل محکمی است

بر پویایی تمدن عربی که برای بیان آن زبانی وسیع نیاز است. زبان‌شناسان معتقدند، زبان عربی از نظر اصالت، مفهوم و اصطلاح از همه زبان‌ها فصیح‌تر و مستحکم‌تر است. جارالله زمخشری یک ایرانی (مازندرانی) و فارس‌زبان است. عربی زبان مادری وی نبوده است لهذا جای هیچ تردیدی نیست که توصیف وی از زبان عربی عاری از تعصبات نژادی و قومی است. وی زبان عربی را فصیح‌ترین زبان و بلاغت‌ش را کامل‌تر از زبان‌های دیگر برمی‌شمارد (زمخشری، ۱۹۸۲: ۴۱۱-۴۱۰). ابن‌خلدون نیز که از نژاد و از حیث قومیتی- ملیتی عرب نیست در اهمیت زبان عربی می‌گوید: «زبان عربی از تمام زبان‌ها موجزتر است و لفظ و عبارت کمتری دارد. همچنین، به دلیل ویژگی‌های درونی‌اش می‌توان از آن هماهنگ با نیاز، واژه‌سازی و جمله‌سازی کرد.» وی ادامه می‌دهد: «عرب‌ها روشن‌ترین استعداد و توانایی را برای ادای مقصود دارند. زیرا در این زبان با کلماتی اندک، معانی بسیاری بیان می‌شود.» (ابن خلدون، ۲۰۰۴: ۵۴۶).

سردمداران غرب به خوبی به این واقعیت پی برده‌اند که برای تأثیرگذاری بر رفتار و افکار کشورهای مسلمان، مؤثرترین راه محو زبان مادری و نفوذ و غلبه زبان بیگانه است. لذا با استفاده از وسایل ارتباطی و از راه باورسازی و الگوپردازی بر افکار جوانان عرب‌زبان تأثیر گذاشته‌اند، به‌طوری که به راحتی و بدون هیچ تنش‌ی آن‌ها را مجذوب

فرهنگ و زبان خود کرده‌اند. نشانه آن گسترش و انتشار زبان انگلیسی در کشورهای مسلمان عربی و تأثیرپذیری آنان از فرهنگ غرب است.

می‌توان گفت که جهانی شدن روند حرکت تمدنی در راستای نظام واحدی است که غالباً قدرت واحدی آن را به پیش می‌برد و بر یک مرکزیت واحد، از بین مراکز نیرومند در عالم، متمرکز شده است، پدیده‌ای چالشگر که سبب شده است کشورهای عربی از آن تأثیرات منفی بگیرند. غرب که محو و نابودی زبان عربی را سرلوحه اهداف خود قرار داده، با به چالش کشاندن زبان و فرهنگ عربی، بر آن شده فرهنگ و ارزش‌های خود را بر آنان تحمیل کند که حاصل آن تضعیف و از بین بردن زبان فصیح و تقویت لهجه‌های عامیانه است. هدف نیز یورش بر فرهنگ اصیل عربی به کمک ابزار ارتباطی، به‌خصوص اینترنت است. کودک عرب‌زبان وقتی چشمش را باز می‌کند، نوشته‌های انگلیسی را روی لباس‌های خود و افراد خانواده‌اش، روی کفش‌هایش، روی اسباب‌بازی‌ها و هدیه‌هایش و به‌طور کلی روی هر آنچه در اطرافش است، می‌بیند و قبل از اینکه چیزی از زبان خود یاد بگیرد، در مراحل آغازین تحصیل خود باید زبان انگلیسی را آموزش ببیند. اسفباری تا حدی است که باید به حال جوامع عربی گریست؛ کشورهایایی که کل سرزمینشان عربی است، ولی در آن‌ها گفت‌وگو و محاوره به زبان فصیح دیده نمی‌شود! و لهجه‌های محلی گوناگون و زبان بیگانه بر مردم سرزمینشان غلبه یافته است.

ای کاش آثار مخرب جهانی شدن فقط در همین حد متوقف می‌شد، گرفتاری اعراب به جایی رسیده که معلمان در مدارس و استادان در دانشگاه‌ها به زبان بیگانه روی آورده و آن را آموزش می‌دهند. حتی بعضی از استادان دانشگاهی به تدریس و تألیف زبان انگلیسی اصرار دارند و به آن افتخار هم می‌کنند. دلیل این کار نیز واضح است، چرا که آن‌ها به زبان مادری خود احترام نمی‌گذارند و هیچ اهمیتی به آن نمی‌دهند و این اولین راه از بین بردن هویت ملت‌هاست (احمد مدکور، دت: ۵۶-۵۵) که غرب به خوبی به آن واقف است و به شیوه‌های غیرمستقیم زبان عربی و به دنبال آن اسلام را هدف قرار داده است. برداشت چنین است که آموزش زبان انگلیسی در مراحل حساس منجر به خردشدن، نابودی و زوال فرهنگ، هویت ملی و از بین رفتن زبان مادری می‌شود. زبان عربی که در واقع ظرف فرهنگ و عادات مردمش است، در عصر کنونی متأسفانه از جهتی متأثر از زبان انگلیسی است؛ از این نظر که بعضی از واژگانش را از آن وام گرفته است. از طرف دیگر متأثر از زبان عامیانه و محلی است؛ چرا که

بین آن‌ها سرمایه و میراث عربی مشترکی از واژگان وجود دارد. این خطر احساس می‌شود که اگر مقدار نفوذ کلمات بیگانه و محلی از حد تجاوز کند، به مخالفت با ساختار، قواعد و دستور زبان عربی در ترتیب مفردات و یا در چگونگی و ویژگی ترکیب بینجامد.

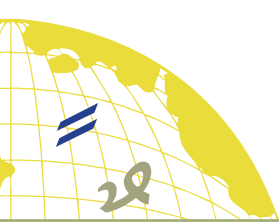
در این پژوهش در صدد هستیم آثار منفی جهانی شدن بر روی زبان فصیح عربی را بررسی کنیم و راه‌هایی را شناسایی کنیم که غرب در سایه جهانی شدن برای دستیابی به اهداف خود در دستور کارش قرار داده است.

### جهانی شدن و رواج زبان عامیانه

بررسی‌های زبان‌شناسی، لهجه‌ها و زبان‌های گوناگون را مطالعه می‌کند و فصیح را از غیرفصیح باز می‌شناسد و نیز فصیح را با عامیانه مقایسه می‌کند. ابزار شناخت در همه این‌ها، میزان اختلاط با غیرعرب‌ها است. این توجیه که کاربرد زبان عامیانه نیز خود نوعی زبان عربی است و نباید نگران شد، موضوع ساده‌ای نیست، بلکه تأمل زیادی را می‌طلبد؛ زیرا در واقع سردمداران غرب و متأسفانه برخی اندیشمندان جامعه عرب در پشت صحنه اهدافی دارند که استحاله و واژگونی زبان فصیح در رأس آن‌هاست. رافعی در این‌باره می‌گوید: «چه کسی راضی است برای هر کشور عربی، زبان عربی جداگانه‌ای قرار گیرد و هر کشور عرب‌زبان ادبیاتی خاص خود را داشته باشد؟! چه کسی تاکنون در تمام دوران تاریخ اسلام این کار را کرده است؟!» (الرافعی، ۱۹۶۳: ۲۲). زبان عربی ظرف فرهنگ جامعه عربی، رمز اصالت آن و ویژگی مهمی از خصوصیات ساختار اجتماعی است که اگر زمانی ترک بخورد، هویت عربی با خطر بزرگی روبه‌رو می‌شود. بنابراین، توجه و اهتمام به زبان عربی و محافظت از آن در برابر جریان‌های غربی و همچنین در برابر کاربرد و استفاده زیاد از لهجه‌های محلی که به ظهور و گسترش ماهواره‌های فضایی کمک می‌کند، امری ضروری است (زاید الطیب، دت: ۲۲۵). از اثرات منفی غلبه لهجه‌های محلی این است که ادیب یا زبان‌شناس ممکن است برای تعبیر از معانی جدید اشتقاقاتی را بیابد که در فرهنگ لغت‌ها و قاموس‌ها نیامده است، بلکه حتی ممکن است برای اشتقاقات، استثنایی را ایجاد کند که در گذشته استعمال آن در زبان عربی مرسوم نبوده و در واقع تعبیری را می‌آورد که شرایط، آن را به وجود آورده است (القیسی، ۱۰۷: ۲۰۰۸).

زبان عربی، زبان قرآن است قرآن جامع علوم انسان‌ساز، هدایت‌های بی‌بدیل، و بصیرت‌ها و

در این پژوهش  
در صدد هستیم  
آثار منفی جهانی  
شدن بر روی  
زبان فصیح عربی  
را بررسی کنیم  
و راه‌هایی را  
شناسایی کنیم  
که غرب در سایه  
جهانی شدن  
برای دستیابی  
به اهداف خود  
در دستور کارش  
قرار داده است



با اصل خود مرتبط هستند. هر چند پس از اشتقاق اندکی تغییر معنا می‌یابند. همچنین، دکتر **گریگوری شرباتوف**، شرق‌شناس روسی، که عضو فرهنگستان زبان عربی قاهره است، در یک سخنرانی (ویژگی‌های اشتقاق در زبان فصیح و عامیانه) به بحث تطبیقی می‌پردازد و می‌گوید: «در زبان فصیح عربی به خاطر طبیعت آن، الفاظ درون خود دگرگون می‌شوند که این همان اشتقاق است. نتیجه اینکه در این زبان لفظ، مقدم بر معنا نمی‌آید و هرگز معنا از لفظ جدا نیست. به همین دلیل، معنا غالباً بر اساس قواعد شناخته شده و متعارف بر آن در اشتقاق لفظ می‌آید و احیاناً استثنا نیز دارد» (همان: ۱۶). در پرتو این قاعده می‌توان گفت، اشتقاق در زبان عربی ابزاری است برای خلق واژگان که دلالت بر معانی جدید می‌کند. بنابراین، زایش واژگان در زبان عربی قطع نمی‌شود. این ویژگی زبان عربی مظهر پویایی، زنده بودن و قدرت آن بر تحول و دگرگونی است (المبارک، ۱۹۹۷: ۸۰)، حال آنکه در زبان‌های عامیانه گرایش روشنی به استفاده از کلمات بیگانه وجود دارد. بر اساس این امر می‌توانیم ادعا کنیم که در زبان‌های عامیانه برای ایجاد دگرگونی در الفاظ، گرایش به استعمال کلمات غیرعربی وجود دارد و نباید فراموش کرد که استفاده از کلمات بیگانه و غیرعربی و کنار گذاشتن اصل اشتقاق‌سازی که متأسفانه در زبان عربی هم بالا گرفته است، حرکتی است که ما را در آینده از زبان فصیح دور می‌کند و به‌طور یقین به نابودی آن می‌انجامد.

## ۲. اعراب

واقعیت این است که میزان سخت بودن زبان عربی بیشتر از زبان انگلیسی نیست و صحت ادعای ما بر معرب بودنش است، در حالی که زبان انگلیسی اعراب ندارد. اعراب به زبان تسهیل می‌بخشد و به آسانی تعبیر آن کمک می‌کند نه اینکه آن را سخت و مشکل کند؛ چرا که ترکیب جمله‌ای که دارای اعراب است، بسیار آسان‌تر از ترکیب کردن جمله‌ای است که اعراب ندارد. بدون اعراب فهمیدن معنا پیچیده و سخت است و در معنا اشکال به‌وجود می‌آید. از موارد دیگر نشانگر آسان بودن زبان عربی این است که در زبان انگلیسی کلمات به ترکیب جمله اضافه می‌شوند. برای مثال، در زبان انگلیسی، مضارع کامل استمراری کلمه «has یا has» و بعد از آن «been» می‌آید. در حالی که هیچ‌یک از این اضافات در زبان عربی وجود ندارد و هر کلمه‌ای در زبان عربی معنایی در ترکیب دارد. برای مثال،

عبرت‌های بی‌نظیر است. هدم زبان عربی به گسست نسلی جهان عرب در آتیه می‌انجامد و آنان را از مواهب انسان‌ساز علوم انسانی قرآن مبین محروم می‌کند. در پایان این بخش لازم است یادآور شویم، عامل اصلی ورود بی‌رویه واژگان عامیانه محلی، دست‌ان پنهانی سردمداران غرب است که ابتدا از راه گسترش واژگان محلی و آمیزش آن با زبان فصیح، تا حدی قالب و ساختار قواعد عربی را در هم شکستند و در مراحل بعد، از طریق ابزار ارتباطی، به‌ویژه اینترنت، اسلوب و ساختارهای زبان انگلیسی را وارد این زبان کردند.

## جهانی شدن و مشکل بودن زبان عربی

«هویت ملی» به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که نشانه شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارت‌اند از: سرزمین، دین، تاریخ، زبان، ادبیات، مردم و ملت. بر این اساس می‌توان گفت، زبان فصیح عربی هویت ملی کشورهای عرب‌زبان است. ولی سخت جلوه دادن آن و ترویج زبان‌های محلی از جمله تلاش‌های بی‌وقفه غرب علیه زبان عربی، برای طرد کلی این زبان، فراموشی و استحاله آن است، در حالی که زبان عربی ویژگی‌هایی دارد که مشکل بودن آن را در می‌کند. از جمله آن‌ها عبارت‌اند از:

## ۱. اشتقاق

اشتقاق یکی از ویژگی‌های زبان عربی است که آن را برای ایفای نقشی فراملیتی آماده می‌کند. این ویژگی مزیتی به زبان عربی بخشیده است که هیچ زبانی نمی‌تواند هم‌سطح آن قرار گیرد. در این زبان، از مصدر، فعل مشتق می‌شود. برای مثال «کَتَبَ» که مصدر آن «کتاب یا کتابه» است و از مصدر، کلماتی مثل «کتاب، مکتبه، مکتب، کتبیه، کاتب، مکتوب و...» مشتق می‌شود. سپس از خود فعل، فعل دیگری اشتقاق می‌یابد و از این فعل نیز تعداد دیگری از مشتقات، اشتقاق می‌یابند. آیا زبان انگلیسی این ویژگی فراوانی اشتقاقی را دارد؟! (القیسی، ۲۰۰۸: ۲۱۲). در خصوص اشتقاق، مستشرق سرشناس، پروفیسور **ادوارد براون**، اظهار می‌دارد: زبان عربی بهترین زبان برای بیان مطالب علمی است، زیرا که از نظر مواد لغوی و اشتقاقیات حاصل از آن بسیار غنی است. همواره این اشتقاق‌ها از نظر معنا

**واقعیت این است که میزان سخت بودن زبان عربی بیشتر از زبان انگلیسی نیست و صحت ادعای ما بر معرب بودنش است، در حالی که زبان انگلیسی اعراب ندارد. اعراب به زبان تسهیل می‌بخشد و به آسانی تعبیر آن کمک می‌کند نه اینکه آن را سخت و مشکل کند**



در زبان انگلیسی گفته می‌شود:

I have been working for three years

در حالی که معنای آن در زبان عربی چنین است: انا مستمّر فی العمل لثلاث سنوات بنابراین معنای «have» و «been» کجاست؟! (القیسی، ۲۰۰۸: ۱۷۷-۱۷۶).

### ۳. تقدیم و تأخیر واژگان

مقدم یا مؤخر آمدن واژگان در عربی از جمله ویژگی‌هایی است که گفته کسانانی را که ادعای مشکل بودن زبان عربی را دارند، رد می‌کند؛ به طوری که برای جزئیات معنا کلمه‌ای را مقدم و مؤخر می‌آوریم پس الفاظ در خدمت معانی هستند و این راحتی در ترتیب کلمات بهترین شکل تعبیر از معنی است. در حالی که تعبیر در زبان انگلیسی جامد است و شکی نیست که جامد بودن تعبیر به شاعر یا متکلم کمک نمی‌کند هر آنچه را در ذهن دارد براساس ترتیب جزئیاتش آشکار کند. این برای زبان انگلیسی یک نوع کاستی و نقص به‌شمار می‌آید و خصوصیتی است که زبان عربی را از نظر بیان، دقیق‌تر از انگلیسی می‌داند. (همان: ۱۲۱-۲۱۱).

برای مثال در زبان انگلیسی چنین می‌آید:  
if jim hadn't lent me the money I wouldn't have been able to buy the car.

در جمله بالا، مقدم آوردن «jim» بر «if» و «hadn't» بر «jim» ممکن نیست، در حالی که در زبان عربی، مقدم و مؤخر آوردن هر یک از آن‌ها بر دیگری ممکن است. مثل: «إذا جم» یا «جم إذا لم یقرضنی» یا «لنقود إذا لم یقرضنیها جم فلن أكون قادرا علی شراء السیارة» و یا «لنقود، إذا لم یقرضنیها جم - فعلی شراء السیارة .. لن أكون قادرا» (همان، ۲۰۰۸: ۶۶).

### ۴. اوزان قیاسی

زبان عربی غالباً وزن‌های قیاسی دارد که این ویژگی آموزش زبان عربی را آسان و ده‌ها هزار لفظ ایجاد می‌کند. ما در اینجا به آوردن یک مثال اکتفا می‌کنیم و آن «اسم فاعل» است. اسم فاعل در زبان عربی فقط دو وزن دارد که یکی از آن‌ها بر وزن «فاعل» است از فعل ثلاثی مجرد، مانند «قاری» از قرأ و دیگری از فعل ثلاثی مزید» ساخته می‌شود. بدین ترتیب که مضارع آن فعل را می‌آوریم. سپس حرف مضارع را حذف می‌کنیم و به جای آن (م) می‌گذاریم و یک حرف مانده به آخر را کسره می‌دهیم. مانند: «مجتهد» از فعل «إجتهد». فقط تعداد اندکی از الفاظ از این قاعده مستثنا هستند. مانند

«موسق». ولی آیا زبان انگلیسی نیز دو صیغه برای اسم فاعل دارد؟! یا اینکه ده‌ها صیغه در آن برای اسم فاعل وجود دارد. مثلاً اسم فاعل از فعل «write» می‌شود writer و از «participate» می‌شود participant. جواب این سؤال را که چرا نشانه اسم فاعل در اولی (er) و در دومی (ant) است؟ احدی نمی‌داند! پس هیچ قیاسی در آن نیست (همان: ۱۶۶-۱۶۵). از همه این ویژگی‌های زبان فصیح که نشان‌دهنده ساده بودن آن است که بگذریم، خداوند در قرآن کریم به آسان بودن این زبان اشاره می‌کند. آنجا که می‌فرماید: «و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» (قمر: ۱۷، ۲۲، ۲۳). «و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟»

### جهانی شدن و تغییر ساختار دستوری زبان

بنیان و ساختار اصلی زبان عربی وجود اعراب است که دریافت دقیق‌ترین معانی به کمک آن امکان‌پذیر است و القاگر اصالت زبان عربی است. رابطه بین صدا و معنا در واژه عربی، بین حرکت و معنا در اعراب به وضوح آشکار می‌شود و به نقش کلمه در جمله اشاره می‌کند. قطعاً حرکات اعراب در کلام بیانگر نقش کلمه یا معنای آن و یا دلالت بر هر دوی آن در جمله دارد؛ چون زمانی که اسم‌ها در برگزیده معانی شدند، فاعل، مفعول و مضاف‌الیه هستند و شکل و ساختار آن‌ها دلالت بر معنا ندارند، بلکه حرکت اعراب است که این معانی را می‌آفریند. بنابراین، اعراب دلالت بر اصیل بودن زبان عربی دارد، چرا که اعراب و عربی بودن و عرب ملازم هم هستند و عربی بدون عرب و عربیت بدون اعراب وجود ندارد. پس اگر زمانی فرض کنیم که زبان عربی بدون اعراب باشد، بر ما واجب است که به دنبال اسم دیگری برای آن باشیم. اختلاف در حرکات اعراب منجر به اختلاف در معنا می‌شود. چنان‌که در الخصائص آمده است: «اعراب همان آشکار شدن معانی به وسیله الفاظ است (ابن جنی، ج ۱: ۳۶). برای مثال، اگر جمله «ما احسن زید» بدون اعراب‌گذاری نوشته شود، معانی متعددی در برابر دارد که فقط با اعراب، مقصود اصلی گوینده دریافت می‌شود. ولی چنانچه بگوید: «ما احسن زید» معنای نفی و «ما احسن زید» معنای تعجب و «ما احسن زید» معنای استفهام دارد (السامرائی، ۱۴۲۱: ۳۰). امیل یعقوب نیز به مزایایی که اعراب در ترکیب جمله دارد، اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. «گسترده‌گی و وسعت در ترکیب جملات عربی که این ویژگی

مقدم یا مؤخر آمدن واژگان در عربی از جمله ویژگی‌هایی است که گفته کسانانی را که ادعای مشکل بودن زبان عربی را دارند، رد می‌کند؛ به طوری که برای جزئیات معنا کلمه‌ای را مقدم و مؤخر می‌آوریم پس الفاظ در خدمت معانی هستند و این راحتی در ترتیب کلمات بهترین شکل تعبیر از معنی است

یکی از قواعد نحوی زبان عربی تبعیت تابع از متبوع در اعراب است، ولی به کارگیری بی‌رویه لهجه‌های عربی سبب شده است که گویندگان رسانه‌ها در مکالمات خود این تبعیت از متبوع را رعایت نکنند

در زبان‌های بیگانه وجود ندارد، به‌طوری که می‌توان با تکیه بر اعراب کلمات آن‌ها را مقدم و یا مؤخر آورد، بدون اینکه معنای جمله تغییر کند؛ ۲. زیبایی و پویایی که اعراب به موسیقی شعر می‌بخشد زیرا موسیقی شعر تا حد زیادی به اعراب کلماتش تکیه دارد» (بی‌تا: ۱۳۸). چنین برداشت می‌شود که نادیده گرفتن اعراب یکی از اساسی‌ترین چالش‌هایی است که غرب با هدف فراموشی و نابودی زبان عربی و ترغیب به کاربرد لهجه‌های محلی به‌وجود آورده و سعی در اقناع اذهان عمومی در مورد بی‌اهمیت جلوه‌دادن اعراب داشته است، به‌گونه‌ای که واژگان را بدون حرکت بیان می‌کند و برای دستیابی به این مقصود از رسانه‌ها آغاز کرده است؛ چرا که از میزان تأثیرگذاری آن بر افکار و اذهان مردم غافل نبودند. در اینجا به راه‌هایی که غرب برای از بین بردن و بی‌اهمیت جلوه دادن زبان فصیح و ترغیب به استعمال لهجه عامیانه و زبان انگلیسی در دستور کار خود قرار داده است، اشاره می‌کنیم:

### ۱. توجه نکردن به اعراب و دستور ساختاری نحو

یوهان فک، مستشرق آلمانی، معتقد است که اعراب از قدیمی‌ترین ویژگی‌های زبانی آن است که رها کردن آن شایسته نیست (۱۹۵۱: ۱۲۴). بی‌توجهی به اعراب واژگان و ساکن آوردن آن‌ها از سوی رسانه‌ها می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری برای زبان عربی به دنبال داشته باشد، که برابر است با زیر پا گذاشتن دستور زبان عربی و در واقع از بین بردن هویت ملی جوانان مسلمان عربی، به نمونه‌هایی از بی‌توجهی رسانه‌ها به اعراب اشاره می‌کنیم:

«الأمیر سلطان بن عبدالعزیز» و «المملكة العربية السعودية» (مختار عمر، ۱۹۹۳: ۳۵۳۶). «مع خبراء من وزارة البترول والثروة المعدنية» و «فی مجالات نقل و الطاقة و الزراعة و الصناعة» و نیز مانند «و إنشاء محطات ضخ»

در مقابل، در برخی موارد نیز در رسانه‌ها دیده می‌شود که برای نوع اعرابی که واژگان دارند، چندان اهمیتی قائل نیستند و آخر واژگان را بر حسب عادت حرکت کسره می‌دهند. مانند: «إكد الرئيس الإمبريكي...» در حالی که شکل صحیح آن «الرئيس» با ضمه است؛ زیرا نقش فاعلی دارد. «منعت السلطات الإسرائيلية الاف المواطنين من الدخول». در شکل صحیح «الاف» فتحه صحیح است، چون در جایگاه مفعول قرار دارد (همان، ۱۹۹۳: ۵۱).

### ۲. تغییر ساختار نحوی اسم مفعول

از دیگر مواردی که رواج زبان عامیانه القاگر محو و از ریشه‌کندن زبان فصیح است، اینکه در دستور زبان عربی اسم مفعول از فعل ثلاثی اجوف ساخته می‌شود. برای مثال «باع»، «مبیع» و از «صان» «مصون». ولی در لهجه‌های متداول، به این اعلال روی نمی‌آورند، بلکه بر وزن همان مفعول به کار می‌برند. مانند «مبیوع» و در مکالمات نیز همان را به کار می‌برند (السامرائی، ۱۹۸۳: ۴۵).

### ۳. اختلاف تابع و متبوع در اعراب

یکی از قواعد نحوی زبان عربی تبعیت تابع از متبوع در اعراب است، ولی به کارگیری بی‌رویه لهجه‌های عربی سبب شده است که گویندگان رسانه‌ها در مکالمات خود این تبعیت از متبوع را رعایت نکنند. در نتیجه، بی‌توجهی به ساختار نحوی، از طرف عامه مردم امری عادی جلوه‌گر شده و به تدریج اصول نحوی به فراموشی سپرده می‌شود. از نمونه‌های این ساختار شکنی عبارت‌اند از:

«فند العراق إدعات بريطانياً جديدة» که صحیح آن «برطانیة» است.

### ۴. آوردن «ال» بر سر فعل

از نمونه‌های شعری رعایت نکردن قواعد نحوی سروده یوسف الخال است که در قصائد خود زبان عامیانه و متداول را به کار می‌گیرد و ساختار دستوری را بر هم می‌زند، مانند: غدا يعود سیدی / شرعاه کفیمه بیضاء عند اشفق / أعرفه متی یلوح، کیف لا / خیوطه أنا الغزلتها أصابعی

در زبان فصیح فعل «ال» نمی‌گیرد، ولی وی «الغزلتها» را که فعل است را با «ال» موصوله به کار برده و القاگر تأثیر لهجه محلی بر زبان فصیح عربی است (همان، ۱۹۸۳: ۱۵۸).

### ۵. کاربرد واژگان انگلیسی

جهانی شدن به حدی زبان عربی را به چالش کشانده که برخی از شاعران معاصر عربی در سروده خود به صراحت و عیناً جملات انگلیسی به کار می‌برند. از جمله آن‌ها احمد مطر است که در سروده «وسائل النجاة» جمله انگلیسی را عیناً آورده و حتی آن را ترجمه نکرده است؛ جایی که چنین می‌گوید:

حلقو لی الرأس و اللحية و الشارب / لا ییل نتفوا لی حاجب العین و أهداب الجفون / عربی أنت / no don't be sill they (دیوان أحمد مطر: ۴۹-۴۸).

با تأمل در نمونه‌های ذکر شده برداشت می‌شود که به‌کارگیری روزافزون لهجه‌های محلی و به دنبال آن نادیده گرفتن دستور زبان عربی، القاگر ظهور مرحله جدیدی در تاریخ عربی است؛ مرحله‌ای که زبان عربی را از ضوابط صرفی و نحوی دور می‌کند (السامرائی، ۱۹۸۳: ۳۶).

## جهانی شدن، رسانه و اینترنت

اینترنت یکی از اصلی‌ترین ابزارهای مهم ارتباطی است که در چند دهه اخیر با سرعت روزافزون توسعه یافته است و وابستگی عمومی مردم به آن باعث شده که غرب به دنبال نفوذ روانی زیاد در پی رسیدن به خواسته‌های خود از آن به سود خود و در راستای دستیابی به اهداف خود استفاده کند. از آثار منفی انقلاب ارتباطات و تکنولوژی، ورود بی‌رویه واژه‌های بیگانه به زبان عربی است تا جایی که می‌توان گفت زبان اینترنت زبان عربی و ساختار دستوری آن را تهدید می‌کند. ترکیب و ساختار جمله در رشد و زیاد شدن اصطلاحات و نقل از زبانی به زبانی دیگر دخیل است. لذا شایسته است اشاره کنیم، تعداد زیادی از ساختارهای ترکیبی جدید در زبان عربی نتیجه تأثیرپذیری زبان عربی از اصطلاحات بیگانه به ویژه انگلیسی است (ابراهیم، د.ت: ۵). از جمله اسلوب‌های وارد شده از غرب که ساختار قواعدی و دستوری زبان عربی را در هم شکسته است، عبارت‌اند از:

۱. فعل «لعب» در زبان فصیح با حرف «باء» متعدی می‌شود، مثل: «لعب محمد بالكرة». در حالی که همین فعل امروزه در کشورهای عربی، به تقلید از انگلیسی، بدون «باء» متعدی آورده می‌شود، مانند: «لعب دورا هاما» که یادآور این جمله انگلیسی است (he played an important party) (عبدالعزیز، ۱۹۷۸: ۵۶).

۲. فعل «عاد» امروزه در ترکیبی به کار می‌رود که در زبان عربی ناشناخت و کاربردی ندارد و از طریق ترجمه به وجود آمده است. گویی می‌گوییم: «لم يعد فلان قادراً» که چنین ترجمه‌ای به تقلید از زبان بیگانه است؛ زیرا القاگر اسلوب جمله فرانسوی است:

ainest pas capable

۳. (أعمال الكاتب الكاملة) این اسلوب در زبان عربی نیست. در زبان فصیح گفته می‌شود: «مؤلفاته أو كتبه أو آثاره أو مصنفاته». چنین تعبیری در زبان انگلیسی است و آن عبارت است از: works of the write the complete

(السامرائی، ۱۹۸۳: ۲۸۶-۲۵۸).

علاوه بر موارد ذکر شده، به وفور دیده می‌شود که در عربی واژگانی به کار گرفته می‌شوند که نظام و ساختار دستوری ندارند و هیچ دلیل و سند قوی بر عربی بودن آن‌ها وجود ندارد. واژگانی مانند: «الشخصانية» معادل personalism، «الشكانية» معادل formalism و «العلمانية» معادل secularism. لذا می‌توان برداشت کرد که پسوند (انیه) که در آخر این واژگان آمده است، به تقلید از «ism» زبان انگلیسی باشد؛ چون مصادر صناعی از طریق «تی» نسبت «تاء تأنیث» ساخته می‌شوند. باید خاطر نشان کرد، خطری جدی که زبان عربی را تهدید می‌کند، این است که واژگانی که از غرب وارد دنیای زبان عربی شده‌اند، در متن زبان ریشه دوانده‌اند تا جایی که نسل جوان از همان واژگان غریب و بیگانه مشتق می‌سازد، مانند مسج که برگرفته از «message» است و به جای «أرسل» یا «أرسل» به کار می‌رود و سیف و تسییف که از «save» گرفته شده و به جای «حفظ» و «حفظ» به کار می‌رود (احمد الکسونی، ۲۰۱۳: ۲۷۸).

گفتنی است که وضعیت زبان عربی به گونه‌ای رو به زوال کشیده شده که بسیاری از جوانان در هنگام صحبت با دوستان خود، زبان مادری خود را با زبان انگلیسی درمی‌آمیزند:

Bye - مع السلامه، see you  
- اشوفک فی ال parking

این جملات نشان‌دهنده اوج نفوذ فرهنگ و زبان بیگانه و غالب شدن آن بر فرهنگ و زبان اصیل عربی و در کل عملی شدن طرح و نقشه غرب علیه بعضی از کشورهای مسلمان است. فرهنگ آمیزش بین دو زبان انگلیسی و لهجه محلی به شکل واضح بین جوانان شایع و در واقع موجب نوعی بی‌هویتی شده که برای جوامع عربی بسیار اسفبار است، چرا که به فرهنگ مصرفی که غرب خواهان آن است، روی می‌آورند و از این طریق، نفوذ سیاسی و اقتصادی برای تسلط بر سرنوشت و مقدرات جامعه عربی گسترش می‌یابد.

جوانان چنین مجذوب و دنباله‌رو جریان فرهنگی در حال رشد می‌شوند، بدون هیچ شناختی و یا درک خطری از آن. پس باید برای مقاومت نسل‌ها در برابر آنچه غرب به آن فرا می‌خواند، اهتمام و توجه ویژه‌ای به زبان عربی و فرهنگ اسلامی آن داشت» (زاید الطیب: ۲۲۴)



### منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. مقدمه. (۲۰۰۴م). تحقیق حامد احمد الطاهر. مجلة ابحاث. شماره ۶. جامعة اليرموك.
۳. احمد مطر. المجموعة الشعرية. (۲۰۱۱م). بيروت. دنار الحر. لبنان.
۴. الرفاعي، مصطفى صادق. تحت راية القرآن بين القديم والحديث. (۱۹۶۳م). الطبعة الخامسة. المكتبة التجارية الكبرى. قاهره.
۵. الزمخشري، جارالله ابوالقاسم محمود بن عمر. اساس البلاغه. (۱۹۸۲م). تحقيق عبدالرحيم حمود. دارالمعرفه. بيروت.
۶. السامرائي، ابراهيم. فقه اللغة المقارن. (۱۹۸۳م). دارالعلم للملایین. الطبعة الثالثة. كلون الثاني. بيروت - لبنان.
۷. السمرائى، فاضل. الجملة العربية والمعنى. (۱۴۲۱م). الطبعة الأولى. دار ابن حزم للطباعة والنشر.
۸. عبدالعزيز، محمد حسن. لغة الصحافة المعاصرة. (۱۹۷۸م). دار المعارف. قاهره.
۹. عبدالعزيز، محمد حسن. المدخل الى اللغة. (۱۹۸۲م). دار الفكر العربي. قاهره، مصر.
۱۰. على احمد مدكور، تدریس فنون اللغة العربية. دار الشواف. جامعة القاهرة.
۱۱. عودة الله منيع القيسى. العربية الفصحى (مرونتها، و عقلانيتها، و اسباب خلوها). (۲۰۰۸م). الطبعة الأولى. دار البديعة ناشرون و موزعون.
۱۲. فک، بوهان العربية. (۱۹۵۱م). ترجمه عبدالحليم النجار. قاهره.
۱۳. المبارک، محمد. فقه اللغة و خصائص العربية. (۱۹۹۷م). الطبعة الثانية. دار الفكر العربي. قاهره، مصر.
۱۴. مختار عمر، احمد. اخطاء اللغة العربية المعاصرة عند الكتاب و الإذاعيين. (۱۹۹۳م). عالم الكتب. قاهره.
۱۵. مولود زاید الطیب. العولمة و التماسک المجتمعی فی الوطن العربي. المركز العالمی لدراسات و ابحاث الكتاب الأخضر.